



## قصه «سیا»!

برای تحریک افکار عمومی، دامن زدن به خشم و نفرت، و در هم سوئی کامل با پروپاگاندا سازمان سیا، امروز آخوند لاریجانی، رئیس قوه قضائیه جمکران از اعدام‌ها «دفاع» کرد تا علاوه بر عملة تحکیم وحدت و دیگر گروه‌های جیره‌خوار حکومت، عده‌ای شوت‌وپرت نیز برای «مخالفت با اعدام» و حمایت از «آزادی‌های» فرضی در راهپیمائی ۲۲ بهمن شرکت کنند. غافل از اینکه واژه فریبنده «آزادی» در قاموس فاشیست‌ها در «آزادی توحش» و آزادی انسان‌ستیزی خلاصه می‌شود.

هرگونه آزادی انسانی، به ویژه «آزادی بیان»، در تضاد کامل با تقدس و توحش ادیان ابراهیمی و «خطامام» قرار می‌گیرد. بنابراین ادعای اینکه امثال موسوی و کروبی طرفدار آزادی بیان و خواهان «آزادی زندانیان» سیاسی‌اند،



تکرار مکررات نمی‌کنیم، فقط یادآور شویم که برخلاف ترهات رادیوفردا، موسوی و کروبی به عنوان «مدافعان» قانون اساسی انسان‌ستیز حکومت اسلامی نمی‌توانند مدافع حقوق انسانی هم باشند. اما کو گوش شنوا؟!!

در این میانه، سازمان سیا نیز همان شیوه ابلهانه سال ۱۳۵۷ را در پیش گرفته و همه منتفعین کودتای ننگین ۲۲ بهمن، از حزب توده و فدائیان اکثریت تا «مادر رضائی‌ها»، با صدور بیانیه‌های جانگداز برای آن سازمان مقدس پامنبری می‌خوانند. می‌دانیم که مادر رضائی‌ها از «مقدسات» فعله فاشیسم به شمار می‌رود، چرا که بستگان و فرزندان‌اش در دوره شاه و در دوره خمینی به دلیل «شورش مسلحانه» اعدام یا تیرباران

ریشه در شارلاتانیسم و عوامفریبی شیپورهای استعمار دارد. این شیپورها قصد دارند پادوهای جنایتکار خود را به عنوان «مدافع آزادی» به ما بفروشند. سی سال پیش هم رسانه‌های تفنگ‌فروشان غرب آدمخواری به نام روح‌الله خمینی را مدافع آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی معرفی می‌کردند. چرا که به این ترتیب می‌توانستند یک «اجماع» گسترده ایجاد کنند. مشخص است که هیچکس با واژه جادویی «آزادی» مخالفت نخواهد کرد، ولی همچنانکه بارها گفته‌ایم «مخالفان دموکراسی» و «انسان‌محوری» نمی‌توانند همزمان مدافع حقوق و آزادی‌های انسانی هم باشند. و در این راستا قانون اساسی خدامحور حکومت اسلامی هر گونه آزادی انسانی را نفی می‌کند. پیشتر در اینمورد توضیح داده‌ایم، پس

شده‌اند! فقط سایت «اخبارروز» که بیانیه مادر مقدس را انعکاس داده، فراموش کرده که در هیچ کشوری حتی در دموکراسی‌های غرب، «شورش مسلح» را در ترداد با «زندانی سیاسی» قرار نمی‌دهند! شورش مسلحانه بر علیه هر حکومتی «جنایت» شمرده می‌شود. به عبارت دیگر از نظر حقوقی، «شورش مسلحانه» هیچ ارتباطی به «آزادی بیان» نخواهد داشت!

سایت اخبارروز، مورخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۸۸، ادعا می‌کند مادر رضائی‌ها «در راه آزادی» ۸ فرزند و دو دامادش را از دست داده! جالب است بدانیم فرزندان ایشان عضو سازمان مجاهدین خلق بودند. سازمانی که امروز نیز با تکیه بر قوانین «اسلام»، همچنان از مخالفان اصلی دموکراسی و آزادی انسان‌ها به شمار می‌رود. بله، این نکته پیش‌یافته را کسی مطرح نمی‌کند، چون مصلحت نیست. خانم رضائی فرموده‌اند، «این حکومت پوسیده است، ۲۲ بهمن را فراموش نکنید!» اتفاقاً ما هم می‌دانیم که رژیم فرسوده شده و به همین دلیل است که گاوچران‌ها با شعار «آزادی» قصد دارند یک حکومت تازه نفس و وحشی‌تر برای مان سوغات بیاورند، و دقیقاً به همین دلیل است که تجمع ۲۲ بهمن اینهمه «اهمیت» یافته:

**«پیام مادری با ۱۰ کشته در راه آزادی [...] این رژیم پوسیده است [...]»**

بله این رژیم پوسیده است ولی سازمان مجاهدین خلق هیچ ارتباطی با دموکراسی و آزادی‌های دموکراتیک ندارد و نخواهد داشت!

«خوشبختانه» همه بزغاله‌های ترانس ژنیک عموسام در داخل و خارج مرزها برای شرکت در تظاهرات گوساله‌پسند ۲۲ بهمن به «اجماع» رسیده‌اند، منتهی یک گروه به نفع رهبری و گروه دیگر به نفع شنگول و منگول جمکران، یعنی موسوی و کروی - ایندو اخیراً در تبلیغات سازمان بلاهت گستر «سیا» همچون امام

روشن‌ضمیرشان مدافع «آزادی بیان» و آزادی زندانیان سیاسی هم معرفی شده‌اند! به یاد داریم که خمینی هم در پروپاگاندا استعماری انگلوساکسون‌ها که از طریق بی‌بی‌سی در گوش ملت خوانده می‌شد، از جمله طرفداران پروپاقرص «آزادی بیان» و «آزادی زندانیان سیاسی» به شمار می‌رفت. ولی همچنانکه پیشتر هم گفتیم در قاموس عملاً فاشیسم «آزادی بیان»، «آزادی زندانیان سیاسی» و دیگر آزادی‌های فردی و اجتماعی فقط در خدمت توحش فاشیسم قرار می‌گیرد. سی سال جنایت و سرکوب حکومت اسلامی شاهدهی است برایین مدعا. به همین دلیل است که همه کودتاچیان و خرابکاران دوره پهلوی دست اتحاد به سوی محفل کودتای بهمن دراز کرده، با شعارهای عوام‌فریب «آزادی زندانیان سیاسی» و «مخالفت با اعدام‌ها» به سربازگیری برای راهپیمائی ۲۲ بهمن مشغول شده‌اند.

همه شنگول و منگول‌های ترانس ژنیک سازمان سیا در داخل در هم‌سوئی کامل با حبه انگورهای ترانس ژنیک در خارج مرزها، برای فروافکندن ملت ایران به کام گرگ، بع، بع آغاز کرده‌اند. بله، قصه شنگول و منگول سازمان سیا با قصه شنگول و منگول اصلی یک تفاوت عمده دارد، و آن اینکه در قصه «سیا» وظیفه شنگول و منگول تهیه خوراک برای گرگ است. اینان در بزنگاه قراردادهای نفتی، بع بع کنان، یعنی با شعار «حق طلبی» و «مبارزه با ظلم» دیگران را به چنگال گرگ می‌سپارند و برای خود جایگاه رفیع «رهبر» و مدافع «حق مردم» دست و پا می‌کنند، درست مثل محمد مصدق. بعد هم به دلیل اعمال سانسور و تحریف رخدادهای تاریخی هیچکس از چند و چون مزدوری‌شان آگاه نخواهد شد. در نتیجه، این «بازی» دلچسب و پرمفعت را همچنان می‌توان تکرار کرد.

اکنون به هوشمندی و فراست سفیر بریتانیا، هیزاکسنسی «سایمون گاس» پی می‌بریم که در پاسخ به خبرنگار حنازرجوبه گفته بود:

**«تصور نمی‌نمایم که ایرانیان واقعاً در مورد رویدادهای تاریخی که قبل از تولد پدران‌شان اتفاق افتاده است، علاقمند باشند.»**

این مصاحبه با کد: ۹۰۹۶۳۲، در حناز چوبه، مورخ ۳ بهمن‌ماه ۱۳۸۸ انتشار یافت، و رئیس آن را در دو وبلاگ «تف دیپلماتیک» و «تصورات دیپلماتیک» به صورت شتابزده بررسی کردیم. به دلیل اعمال سانسور، محمد مصدق از تاریخ ایران حذف شده بود و تنها به صورت یک ابر «شایعه» در جامعه ایران حضور داشت. شایع کرده بودند که «نفت ما را انگلستان غارت می‌کرد و مصدق با ملی کردن نفت، دست استعمار را از ثروت‌های ملی کوتاه کرد.» حال آنکه مصدق را برای قانون‌شکنی و یکجانبه‌گرایی و نقض مقررات بین‌المللی به نخست‌وزیری «منصوب» کردند، تا استعمار بتواند یکجانبه‌گرایی خود، یعنی کودتا را در چارچوب مقررات بین‌المللی توجیه کند و انگلستان به عنوان سهامدار عمده کنسرسیوم به ایران بازگردد. این مسائل پیش پا افتاده مطرح نمی‌شد و هیچکس نام مصدق را بر زبان نمی‌آورد، تا هاله تقدس «مصدق» مخدوش نشود.

نویسنده این وبلاگ در کودکی، بارها و بارها از زبان بزرگ‌ترها شنیده بود که با خنده می‌گفتند، «ملی شد، ملی ش کردی، ملی ش کردن و...» و ملی شدن، در زبان بزرگ‌ترها، کنایه از «خراب کردن» اسباب بازی، و یا دستبرد زدن به خوراکی‌ها و غیره بود. خلاصه در بطن فاشیسم، آن‌ها که از نزدیک در جریان «خدمات» مصدق بودند، ملی کردن نفت را به این نحو به ما منتقل می‌کردند، بدون اینکه به نفت و مصدق اشاره‌ای کرده باشند. بعدها که به مدرسه رفتیم، در کتاب‌های تاریخ اثری از مصدق نبود! البته این سانسور را به حساب بدجنسی «شاه» می‌گذاشتند، حال آنکه فقط در سایه تحمیل این انزوا امکان «بی‌بی‌گوزک‌سازی» در مورد عامل اصلی کودتا فراهم می‌آمد. نتیجه همچنانکه دیدیم ۲۵ سال بعد بسیار هم موفقیت‌آمیز بود.

هنوز که هنوز است کودتای ۲۸ مرداد را بر علیه «دولت دمکراتیک» مصدق معرفی می‌کنند. حال آنکه مصدق هیچ ارتباطی با دمکراسی نداشت، ایشان همچون شیخ مهدی بازرگان از «فدائیان اسلام» و خادمان سفارت بودند، که پس از کودتای ۲۸ مرداد، به دلیل مصلحت استعماری همزمان به عنوان «حسین شهید»، دمکرات و مدافع منافع ملی به ملت ایران حفته شدند. یادآور شویم مصدق حتی در صف مبارزان مشروطه هم حضور نداشت. به عبارت دیگر، «قهرمان ملی» ساخته و پرداخته شایعات استعماری، از دیرباز با مطالبات آزادیخواهانه ایرانیان کاملاً بیگانه بود. اما فاش کردن واقعیت‌های تاریخی، به تخریب تصویر خادمان «پیروز» امپراتوری بریتانیا منجر می‌شود و چنین خیانت‌هایی به کارگاه بی‌بی‌گوزک‌سازی صدمه وارد کرده، بازار گرم «تبدیل نوکر به قهرمان» را هم کساد خواهد کرد.

همچنانکه حاج فرخ نگهدار هم به رادیوفردها گفته بود، ایرانیان هیچ شناختی از تاریخ معاصر ندارند، و هنوز در همان ماه‌های آخر سلطنت در جا می‌زنند! حتماً به زعم ایشان به همین دلیل ایرانیان می‌توانند باز هم در همان معرکه زمان گریز و منطق‌ستیز صحرای کربلا آماده شهادت باشند و در سنگر «حق» به صف بایستند. و به همین دلیل است که هم‌سوئی رسانه‌های حکومت اسلامی با پروپاگاندا گاوچران‌ها برای دوقطبی کردن فضای جامعه از طریق اعمال شیوه «تمرکز بر نفرت» اینچنین چشمگیر و کارساز شده.

در واقع پروپاگاندا استعمار در داخل و خارج مرزها در هم‌سوئی کامل با وقوفیه آخوند جنتی قرار گرفته، البته به زبان‌های متفاوت. یک گروه می‌گوید، «بکشید محاربان را»، گروه دیگر می‌گوید، «بکشید ما را»، چرا که «حق» با ماست! و جالب اینکه هر دو گروه، در هر حال شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن را توصیه می‌کنند، تا خبرنگاران غرب بتوانند «جمعیت انبوه» تظاهرکنندگان را برحسب

منافع استعمار در جبهه اسلام خشن مهرورزی، یا در جبهه اسلام خوب و «مامانی» میرحسین جاسازی کنند. چرا که اینبار انزوای رسانه‌ای دیگر در کار نیست. بله، دولت مجبور شده انزوای رسانه‌ای را بردارد و اجازه دهد که ۳۰۰ خبرنگار با پخش مراسم کذا در افکار عمومی غرب روند مشروعیت بخشیدن به احمدی‌نژاد یا موسوی، و در هر حال «حکومت توحش اسلامی» را رسماً آغاز کنند!

از اینرو برای دامن زدن به خشم و نفرت مردم، لاریجانی رئیس قوه قضائیه در همسوئی کامل با تبلیغات رادیوفردا و در راستای سخنان ابلهانه آخوند جنتی و فرخ نگهدار سخنان ابلهانه‌تری بر زبان می‌آورد، که در حناز چوبه، مورخ ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۸۸ با کد: ۹۳۰۲۸۳، تحت عنوان «دستگاه قضائی با گروهک‌های محارب برخورد قاطعانه می‌کند» انتشار یافته.

بله داداش کوچیکه پاسدار لاریجانی، از غلامبچگان سفارت انگلستان، امروز از خواب بیدار شده می‌گوید، یا کسانی که «قصد» اخلال در امنیت کشور را دارند شدیداً برخورد خواهد شد! حال متوجه می‌شویم چرا قوه قضائیه در این نظام توحش از همان روز ۲۳ خردادماه ۱۳۸۸ موسوی و شیخ کروبی را تحت پیگرد قانونی قرار نداد. همانطور که می‌بینیم این دو به هیچ عنوان «قصد» اخلال در امنیت کشور را نداشتند، اینان امنیت کشور را در عمل به چالش کشیده‌اند! به همین دلیل است که شیخ صادق اصلاً کاری به کارشان ندارد! چون قبیله لاریجانی‌ها در کنار محفل کودتاست؛ چاقو که دسته خودش را نمی‌برد. شیخ صادق می‌خواهد ببیند چه کسانی «قصد» دارند با محفل کودتا به «رقابت» برخیزند. البته در هیچ نظام انسانی نمی‌توان از «نیت» افراد آگاه شد. هر کس مرتکب جرم می‌شود، مجرم است، مهم نیست چه نیتی دارد. ولی در جرم‌کاران روند کاملاً واژگون شده. منتظر نمی‌شوند کسی مرتکب جرم شود، ابتدا افراد را دستگیر می‌کنند، سپس با یک نگاه به «نیت» آنان پی می‌برند و به عنوان «محارب» و «مفسد فی الارض» مجازات‌شان می‌کنند! حتی اگر جرمی مرتکب نشده باشند، درست مثل دوران نورانی امام روشن‌ضمیر!

در این راستا، شیخ صادق تأکید می‌کند که این شیوه توحش یادگار همان امام آدم‌خوار است. به عبارت دیگر لاریجانی تلویحاً می‌گوید، ما مسئول توحش ایشان نیستیم، هر چند مامور ادامه راه توحش‌ایم:

**«[لاریجانی] نظام [...] را یادگار امام خمینی (ره) دانست و اضمن تأکید بر حفظ آن [گفت] [...] با گروهک‌های محارب که با تلاش مذبوحانه قصد اخلال در امنیت کشور [...] را دارند، قاطعانه برخورد [می‌شود].»**

به گزارش حناز چوبه، آخوند لاریجانی در نشست مسئولان عالی قضائی با اشاره به اعدام‌های اخیر می‌گوید، افرادی که اعدام شدند شورش مسلحانه کرده، تروریست بودند، مواد منفجره در اختیار داشتند و قانون در موردشان اجرا شد. لاریجانی پس از ایراد این مهمات به ستایش «عدالت» و دیگر فضائل خمینی دجال پرداخته. سپس آن یکی برادر آدم‌خوارش که دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جرم‌کار است در مورد حقوق بشر سخنرانی مبسوطی ایراد فرموده که حتی حناز چوبه هم متن آن را منتشر نکرده! بهتر است بدانیم شیخ صادق روز شنبه، ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۸۸، از شایعه‌پراکنی موسوی و کروبی هم انتقاد ملایمی به عمل آورده که در حناز چوبه همان روز با کد: ۸۹۹۶۵۲، منتشر شد. لاریجانی فرموده، این شلوغی‌ها حواس ما را پرت می‌کند!

**«چنانچه فضای سیاسی جامعه آلوده به ناهنجاری‌ها و برخی ساختارشکنی‌ها شود، قوه قضائیه نمی‌تواند کار رسیدگی به پرونده‌ها را در فضای مناسب انجام دهد [...]»**

به عبارت دیگر، شلوغ نکنید بگذارید با خیال راحت به اعدام‌ها مشغول باشیم. شیخ صادق در ادامه این سخنان شیوا، آشوب‌های پس‌انتخاباتی را ناشی از بی‌تدبیری دانسته. می‌بینیم که «آشوب» در نظام توحش جرم‌کاران به هیچ عنوان «جرم» شناخته نمی‌شود. آشوب ریشه در

«ما [...] پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد بیشترین احترام را به حقوق اقلیت‌ها می‌گذاریم [...] شرایط [...] برای اکثریت مسلمان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد شد [...]»

خبرنگار می‌پرسد، شما با آزادی مطبوعات و سیستم چند حزبی موافق‌اید، خمینی می‌گوید:

«بدون چون و چرا [...]»

این نمونه مختصر از شارلاتانیسم و پفیوزی رهبر کبیر انقلاب را آوردیم، تا ابعاد پیش‌رمی و وقاحت رادیوفردا و دیگر رسانه‌هایی که موسوی جلاد، نخست‌وزیر سرکوبگر همین خمینی را مدافع «آزادی بیان» و به طور کلی مدافع آزادی‌ها معرفی می‌کنند، روشن شود. خلاصه بگوئیم، اربابان حکومت اسلامی به دلیل شکست کودتای انتخابات نیازمند تأمین مشروعیت برای جلادان تاراجگر جمکران شده‌اند و برای دستیابی به اهداف پلید خود جناح کروبی و موسوی جنایتکار را «مدافع آزادی» معرفی می‌کنند، در نتیجه جناح حکومت را در جایگاه مخالف همین آزادی‌های «واهی» قرار می‌دهند. روشن‌تر بگوئیم، با توجه به اینکه حکومت در هر حال آزادی‌ستیز است، به این ترتیب جناح موسوی در فضا سازی‌های رسانه‌ای سنگر آزادی را «فتح» خواهد کرد. البته آنگلساکسون‌ها کور خوانده‌اند.

ما تسلیم فضا سازی‌های سازمان سیا و نوکران‌اش نخواهیم شد. شعارهای پوچ «آزادی زندانیان سیاسی» و «مخالفت با اعدام» فقط با هدف نابودی حداقل آزادی یعنی «حق بیطرفی» صورت می‌گیرد. یانکی‌ها می‌خواهند به هزار ترفند، مخالفان حکومت را در «سنگر حق» سازمان سیا مستقر کنند، تا مطالبات «انسان‌محور» جنبش مدنی در هیاهوی فاشیست‌های جنبش سبز مسکوت بماند.

حرکت تل موهوم «مردم» دارد. و چنین تحرکات گله‌ای است که تداوم حکومت‌های «مردمی» را تضمین می‌کند. خلاصه شایعه پراکنی و دعوت به شورش در جمکران «جرم» نیست! البته به شرط اینکه سفارت‌خانه کذا هوای تان را داشته باشد، وگرنه «محارب» و «مفسد فی الارض» و اینجور چیزها هستید! باری، آشوب‌های ۸ ماه اخیر به زعم شیخ صادق «شیطنت» و «بی‌تدبیری» بوده. بله میرحسین موسوی و شیخ کروبی کوچولو حین بازی «شیطنت» هم کردند! بچه بودند، نفهم و بی‌تدبیر، و مثل بچه‌های بی‌تربیت «امام‌زاده بی‌چلچراغ» سنگ انداختند. «بچه» را که نمی‌شود مجازات کرد، به ویژه اگر مثل شیخ صادق، بچه کذا از «خواص» کارخانه رجاله‌پروری باشد:

«بسیاری از حوادث و رویدادهای بعد از انتخابات ناشی از بی‌تدبیری و سکوت برخی خواص و شیطنت اطرافیان بود و چنانچه در هر مورد موضع‌گیری عاقلانه و با تدبیری صورت می‌گرفت، شاید بسیاری از این حوادث [...] اتفاق نمی‌افتاد.»

حکومتی که قانون اساسی‌اش از نهج‌البلاغه و حدیث روایت استخراج شود، دستگاه قضائی‌اش هم همچنانکه می‌بینیم بر حماقت و پفیوزی و قانون‌شکنی «استوار» خواهد شد. روسای‌اش هم می‌باید همچون شاهرودی و لاریجانی از کربلا و نجف به کشور صادر شوند، و وفاداری‌شان به سفارت بریتانیا از پیش به اثبات رسیده باشد. از مطلب دورافتادیم، بازگردیم به تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ و معرفی موسوی و کروبی به عنوان مدافعان «آزادی» در رادیوفردا و رسانه‌های غرب. گفتیم که دفاع انسان‌ستیزان و مخالفان دمکراسی از آزادی، در واقع گسترش «سرکوب انسان» خواهد بود. برای نمونه نگاهی خواهیم داشت به مصاحبه خبرنگار فیگارو با روح‌الله خمینی، در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷.

خبرنگار از خمینی می‌پرسد، چه رژیمی را جانشین رژیم شاه خواهید کرد، خمینی پاسخ می‌دهد، ما با همه آزادی‌ها موافق‌ایم! خبرنگار در مورد آزادی اقلیت‌های مذهبی می‌پرسد، خمینی می‌گوید، پس از سرنگونی شاه، همه وضع‌شان بهتر خواهد شد: